

## واقعتهای جدید سیاسی تاجیکستان

رحیم حسن‌اف<sup>۱</sup>

صلح‌سازی نمی‌تواند براساس مواضع مبهم صورت بگیرد. تجربه حل‌وفصل همه مناقشات نشان می‌دهد که همه طرفها باید در این روند شرکت کنند و از نتایج مذاکرات راضی باشند. در غیراین صورت صلح کامل برقرار نخواهد شد. رئیس‌جمهور رحمان‌اف که گام اول در راه صلح را برداشته است، باید بازم جلوتر برود و با آخرین مخالف خود سازش کند و از امکانات وی برای رستخیز کشور بعد از جنگ استفاده نماید.

رسانه‌های گروهی جهان انعقاد توافقیهای بین طرفهای تاجیکی را یکی از رویدادهای مهم دانستند. ملاقاتهای متعدد در سطح عالی، توافقیهای حاصله و نقض بعدی آنها موجب ناباوری به همه مسائل تعدیل اوضاع تاجیکستان شده است. البته، توافقیهای مسکو که با توافقیهای مشابه دیگر تفاوت کیفی دارند، زمینه را برای اعتماد متقابل بین مخالفان و دولت مهیا کرده است. ملاقاتها یک واقعیت مهم را به نمایش گذاشت و آن این است که شرکت‌کنندگان در جنگ و دولتهای ذی‌ربط از این جنگ خسته شده‌اند. جنگ نه تنها توان جامعه تاجیکی را کاهش داده بلکه موجب تغییرات و تحولات مهمی در ساختار این جامعه شده است. تحولات قابل توجهی در مناطق این کشور نیز رخ دادند که از تعویض نخبگان دولتی نشأت می‌گیرد. نمی‌توان این تحولات را به‌طور قطعی منفی یا مثبت خواند؛ ولی شکی نیست که این تحولات بر نظام آینده دولت تاجیکی تأثیر خواهد گذاشت.

منطقه لنین‌آباد (خجند). بحران قدرت در دوران بعد از فروپاشی اتحاد شوروی موجب رویدادهای فاجعه‌بار سال ۱۹۹۲ شد. در شرایط وقوع ناگهانی استقلال و انتخاب مدل توسعه

۱. رحیم حسن‌اف، مدیرکل بنیاد «آسیا» است.

بعدی کشور، قدرت دولتی نتوانست خود را با شرایط جدید تطبیق دهد و کوچکترین اراده‌ای در جهت بقای وجود از خود نشان نداد. رئیس‌جمهور رحمان نبی‌اف که اهل لنین‌آباد (خجند) بود، در دوران شوروی مدیر خوب اقتصادی بود ولی در شرایط جدید دست‌وپای خود را گم کرد. از دست دادن اعتماد مردم و در نتیجه از دست دادن قدرت دولتی، فاجعه شخصی نه تنها خود نبی‌اف بلکه - همان‌طور که تحولات بعدی نشان داد - تمام منطقه لنین‌آباد (خجند) بود. در دوران شوروی تعلق هر کارمند دولت به منطقه لنین‌آباد (و بهتر از آن، به شهر خجند) زمینه را برای رشد سریع وی در محیط خدمت فراهم می‌کرد. برخی از کارمندان لنین‌آبادی که به این وضع عادت کرده بودند، دیگر به فکر راه‌های دیگر حرکت خود در محیط خدمت نبودند. آنها اعتقاد داشتند که صرف‌نظر از همهٔ تکانه‌ها در داخل کشور، قدرت عالی دولتی در هر حال در دست آنها باقی خواهد ماند. با فروپاشی اتحاد شوروی، اوضاع سیاسی جدید از اهالی لنین‌آباد (خجند) کوشش‌های فراوانی را در مبارزه برای قدرت ایجاد کرد که هیچ‌کس از آنها به استثنای عدهٔ خیلی برای این مبارزه آمادگی نداشت. رهبران جدید کشور، لنین‌آبادی‌ها را کنار زدند. باید افزود که مفهوم «شمال تاجیکستان» بسیار مشروط است؛ زیرا که ساکنان این منطقه از حس مشخص وحدت منطقه‌ای برخوردار نیستند. برای مثال، خجندی‌ها همیشه برتری خود را نسبت به اهالی غنی بادام، ماتچی و ظفرآباد احساس می‌کردند. قدرت جدید دولت دوشنبه این جنبه‌های ظریف روحیهٔ شمالی‌ها را زود درک کرد. انطباق داوطلبانهٔ برخی از «رهبران شمالی» با همهٔ رژیم‌های سیاسی صرف‌نظر از شعارهای آنها، یک ویژگی مهم دیگر اهالی لنین‌آباد (خجند) است. برخی از «شمالی‌ها» کماکان می‌توانند با کمونیستها، جبههٔ خلق، اسلام‌گرایان و دموکراتها همکاری کنند. منافع رشد سیاسی خود از ملاحظات وحدت منطقه‌ای و قومی و اصول اخلاقی مهمتر واقع شده است. تاریخچهٔ جمشید کریم‌اف، نخست‌وزیر سابق تاجیکستان، بهترین نمونهٔ این وضع است. وی ابتدا دبیر کمیتهٔ شهری حزب کمونیست در دوشنبه بود. سپس با دموکراتهای اسلامی همکاری کرد. بعد از آن در دولت امامعلی رحمان‌اف نخست‌وزیر شد. سپس کریم‌اف در بلوک «رستاخیز ملی» شرکت کرد و در نهایت امر در عوض خیانت به رفقای سیاسی خود، مقام سفارت تاجیکستان در چین را به دست آورد. راه کریم‌اف، تنها نمونهٔ تکامل فکری یک «رهبر شمالی» نیست. البته این رفتار سیاسی «پراگماتیک» شمالی‌ها به آنها کمک نکرد که بقای وجود سیاسی خود را تأمین کنند. کولابی‌های ساده‌اندیش و سازش‌ناپذیر و مخالفان آنها که در مبارزهٔ شدید از حق دستیابی به بخشی از قدرت دفاع کردند، لنین‌آبادی‌ها را سازشکار و خیانت‌کار محسوب می‌کنند. به همین دلیل در آینده قابل پیش‌بینی احتمال زیاد یکپارچگی کولاب و قراتگین (تکیه‌گاه مخالفان) می‌رود. نه تنها سرنوشت تاریخی بلکه روحیهٔ ویژهٔ رزمی که طی ۴ سال

مناقشه مسلحانه شکل گرفته است، آنها را با هم متحد می‌کند. با وجود پیشرفت بیشتر اجتماعی و اقتصادی لنین‌آباد (خجند)، نمایندگان این منطقه در حکومت آینده نقش ثانوی خواهند داشت و این قبل از همه تقصیر خود شمالی‌ها است. تجربه تاریخی حاکی از آن است که در شرایط برقراری دولت‌های جدید آن گروه‌های سیاسی و منسوب به یک منطقه به قله قدرت سیاسی می‌رسند که در مبارزه برای قدرت، اراده و شجاعت بیشتری را از خود نشان می‌دهند. بنابراین، پدیده‌های ساختاری جدید در سیستم قدرت دولتی تاجیکستان، یک چیز طبیعی است. تنها عواملی که با پیدایش رهبر بزرگ ملی در شمال کشور یا تشکیل سازمان سیاسی که بتواند روحیه رهبری را احیا کند، ارتباط دارند، می‌توانند موجب تغییرات در این زمینه شوند.

قبلاً سیستم منسجم طایفه‌ای خجند، مکانیزم قابل اطمینان و مؤثر تأمین رهبری این گروه منطقه‌ای را داشت. این سیستم که با نمکلاتور حزبی و دولتی پیوند ناگسستنی داشت، کادرهای رهبران آتی را برگزیده و جو مناسب اجتماعی و تشکیل گروه‌های حمایتی را تأمین می‌کرد. اما مناسبات جدید اقتصادی سیستم گروهی سابق را ویران کرد. جوانان پولدار نسل جدید مدعی قدرت در سطح منطقه‌ای شده‌اند. توصیه ریش سفیدان برای آنها چیزی جز توصیه نیست. آنها قواعد رفتار خود را مقرر می‌کنند و در این زمینه ارادت قوی و حس وطن‌پرستی منطقه‌ای را از خود نشان می‌دهند. مهمترین عیب آنها، کمبود تجربه سیاسی است که مانع از دعاوی آنها به قدرت دولتی می‌شود. ولی این عیب برطرف‌شدنی است....

### رئیس جمهور

ظهور ناگهانی امامعلی رحمان‌اف، رئیس گمنام سابق یک واحد کشاورزی، و ورود وی به رده‌های حکومتی تاجیکستان در نوامبر سال ۱۹۹۲ را می‌توان یکی از عجایب تاریخی خواند. ولی آیا ورود وی به محافل قدرت در آن دوران سخت برای دولت نوظهور تصادفی بود؟ امامعلی رحمان‌اف که قبلاً مقامات بالای حزبی و شوروی نداشت و از تجربه دسایس و بازی‌های تشکیلاتی برخوردار نبود، توسط جبهه خلق که در جنگ داخلی برنده شد، به مقام رئیس پارلمان تاجیکی و در نهایت امر، رهبر دولت تاجیک، معرفی شد. رئیس بی‌تجربه روستایی در سن ۳۹ سالگی بار سنگین قدرت را در کشور ویران شده بر دوش خود گذاشت. رحمان‌اف طی چهار سال حرکت به برکت فراست ذاتی و خصالت خشن و مصمم خود، مبانی دولت مستقل را پی‌ریزی کرد. ساختار عمودی قدرت دولتی، ارتش ملی و دستگاه دولتی به‌وجود آمده است. ممکن است مکانیزم جدید قدرت بی‌عیب نباشد؛ ولی شکی نیست که این مکانیزم عمل می‌کند و وظایف خود را اجرا می‌نماید. رحمان‌اف، انسانی درستکار، با

مخاطب قرار دادن مردم و احساسات ملی تاجیکها، توانسته است بر تعداد طرفداران خود بیفزاید و به یک سیاستمدار پراگماتیک تبدیل شود. همچنین باید به تکامل نظرات رحمان‌اف دربارهٔ مخالفان مسلح اشاره کرد. او سه سال پیش حتی وجود این مخالفان را تکذیب می‌کرد.

اما ورود رحمان‌اف به عرصهٔ قدرت با یک رشته اشتباهات جدی توأم بود که اکنون دست‌وپای رئیس‌جمهور را می‌بندند و به او آزادی مانور را که برایش اهمیت حیاتی دارد، نمی‌دهند. در میان این اشتباهات می‌توان به مسائل ذیل اشاره کرد:

۱. ورود شبهه‌نظامیان سابق جبههٔ خلق به هیأت دولت و پارلمان (رئیس‌جمهور انتخابات پارلمانی را کنترل کرده بود) و نهادهای دیگر. در ماههای اول به قدرت رسیدن رحمان‌اف این امر طبیعی بود؛ اما ادامهٔ این خط در حال حاضر عجیب به نظر می‌رسد. اگر علی‌اف در آذربایجان و شواردناده در گرجستان به موقع توانستند جنایتکاران مسلح سابق را از حکومت بردارند، رحمان‌اف در این زمینه موفق نشده است. شبهه‌نظامیان سابق که سوء‌پیشینه دارند و با جهان‌بینی و تعبیر خود از قوانین و مناسبات حکومتی وارد دولت شدند که این مسئله در نهایت امر به اعتبار قدرت دولتی لطمه زده و موجب نارضایتی فزایندهٔ گروههای قومی و منطقه‌ای دیگر از کولابی‌ها شد.

۲. به قدرت رسیدن شبهه‌نظامیان موجب راندن متخصصان حرفه‌ای از سازمانهای دولتی شد. ابتدا جنوبی‌ها هدف تصفیه‌ها قرار گرفتند و سپس نوبت لنین‌آبادی‌ها رسید که در انتخابات سال ۱۹۹۴ عمدتاً از نمایندهٔ منطقهٔ خود و مخالف رحمان‌اف پشتیبانی کرده بودند. نمی‌توان باور کرد که رئیس‌جمهور از این مسئله اطلاع نداشته باشد. بیرون راندن متخصصان و کارشناسان از مراجع تصمیم‌گیری بر اوضاع اقتصادی کشور تأثیر منفی گذاشته و تولید را مختل کرد و به زندگی معنوی جامعه لطمه شدیدی وارد کرد. روشنفکران تاجیک به حال خود گذاشته شدند. پزشکان، دانشمندان و حقوقدانان در روسیه و سایر کشورهای جامعهٔ مشترک‌المنافع زحمت می‌کشند و اغلب به حقوق ناچیزی بسنده می‌کنند. برای آنها اصل کار، مصون بودن در مقابل زورگویی است. استعدادهای علمی هنوز در سیستم جدید دولتی تاجیکستان معاصر برای خود جایی پیدا نکرده و به احتمال قوی به این زودی پیدا نخواهد کرد. راه صلح که امام‌علی رحمان‌اف بدون شک در آن قرار گرفته است، مستلزم اصلاح این‌گونه اشتباهات و اشتباهات دیگری است که می‌توانند مانع از ایجاد دولت تکثرگرا و دموکرات شوند.

## مخالفان

اپوزیسیون متحد تاجیک در سال ۱۹۹۷ با معارضات اسلامی سالهای ۱۹۹۲-۱۹۹۱ تفاوت فراوانی دارد؛ ولو اینکه رهبران آن عوض نشده‌اند. شعارهای اسلامی معتدل شده است. اکنون اپوزیسیون متحد تاجیک دیگر هدف ایجاد دولت اسلامی در تاجیکستان را دنبال نمی‌کند و مدعی تمام قدرت در کشور نیست. از سوی دیگر، اپوزیسیون متحد تاجیک خود را به عنوان نیروی نظامی نشان داد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. اپوزیسیون از شناسایی توسط سازمانهای بین‌المللی برخوردار شده است. اصل کار این است که اپوزیسیون متحد تاجیک صفوف خود را از شخصیت‌های بدنامی پاکسازی کرده است که نه تنها آرمانهای آن را بی‌اعتبار می‌کردند؛ بلکه برای اپوزیسیون چهره افراطی ایجاد می‌نمودند. اپوزیسیون متحد تاجیک نه تنها طی ۴ سال اخیر مشغول جنگ چریکی بود بلکه کادربندی خود را آماده می‌کرد. فرستادگان آن در بهترین دانشگاه‌های خاورمیانه و غرب تحصیل می‌کنند. همچنین نباید فکر کرد که اپوزیسیون متحد تاجیک یعنی گروهی از علمای اسلامی. بخش عمده طرفداران اپوزیسیون از میان آوارگان تاجیک قوانین بازار را خوب یاد گرفته و صاحب شرکتهای خود در مسکو، ولگاگارد، آستاراخان، سنت پترزبورگ، مینسک، آلماتا و عشق آباد هستند. زرنگی ذاتی و درگیری با گرسنگی، هزاران تاجیک را به فعالیت گسترده‌ای وادار کرد. اکنون آنها، هم خانواده‌های خود را تأمین می‌کنند و هم به قوم و خویشان خود کمک می‌نمایند.

طرفداران اپوزیسیون عمدتاً اهالی قراتگین هستند. با انتقال واحدهای اصلی نظامی اپوزیسیون متحد تاجیک از افغانستان به منطقه قراتگین کوهستانی، این منطقه دوباره تکیه‌گاه مخالفان تاجیک می‌شود. از سوی دیگر، مواضع آن در شمال و در نواحی حصار ضعیف است. در آینده نزدیک رفتار رهبران اپوزیسیون متحد تاجیک تا اندازه زیادی مناسبات آنها با دوشنبه رسمی و کل مناطق کشور را تعیین خواهد کرد. اسلامی‌سازی قراتگین کوهستانی (در سال ۱۹۹۲ آنجا جمهوری اسلامی غرم اعلام شده بود) می‌تواند موجب دور جدید جنگ داخلی شود. راه جایگزین این تحول ناگوار، قبول مشارکت نمایندگان منطقه مذکور در ساختارهای دولتی، توسعه بخش کشاورزی و تجارت خصوصی است. ذخایر غنی زیرزمینی، فرهنگ بالای باغبانی و وضعیت مناسب محیط زیست همراه با زرنگی اهالی قراتگین همگی می‌توانند در آینده قابل پیش‌بینی موجب شکوفایی اقتصادی این منطقه شوند.

اصطلاح نه‌چندان مناسب «اپوزیسیون داخلی» در گذشته نه‌چندان دور وارد لغت‌نامه سیاسی تاجیکستان شد؛ ولی بزودی از محتوای واقعی برخوردار گردید. بلوک «رستاخیز ملی» برای دولت دردسر بیشتری شده است تا برای اپوزیسیون متحد تاجیک و این در حالی است که این بلوک از همان اول پیدایش خویش خود را «اپوزیسیون سازنده» حکومت رسمی

دوشنبه اعلام کرده و به رحمان‌اف برگزاری ملاقات سه‌جانبه با شرکت اپوزیسیون متحد تاجیک را پیشنهاد کرد. مقامات رسمی به این پیشنهاد جواب ندادند تا برای رشد محبوبیت عبدالملک عبدالله‌جان‌اف، نخست‌وزیر سابق و رهبر این بلوک، زمینه مهیا نسازند. شرکت این شخص در انتخابات ریاست جمهوری پاییز سال ۱۹۹۴، او را به دشمن اصلی امامعلی رحمان‌اف تبدیل کرد. ولی مسئله این است که همانا شرکت عبدالله‌جان‌اف در این انتخابات باعث شناسایی بین‌المللی آن گردید. جلب عبدالله‌جان‌اف، شخصیت وارد و عاقل دولتی و طرفدارانش به فعالیت دولتی بر تعداد طرفداران رحمان‌اف افزوده و گام مؤثری در مسیر آشتی ملی خواهد بود. اما تحولات براساس سناریوی سنتی «رقیب دیروزی - دشمن امروزی» توسعه یافت. بازگشت عبدالله‌جان‌اف به قدرت می‌توانست تقویت منطقه‌لنین‌آباد (خجند) و تجدید توزیع اختیارات و نظارت بر تولید، مصرف و روابط بازرگانی خارجی را به دنبال داشته باشد. همین امر موجب نگرانی اصلی رهبران کنونی کولاب می‌شود. به همین دلیل برخی از فرماندهان سابق جبهه خلق که در اعمال رئیس‌جمهور نفوذ دارند، در این خصوص نگرانی ابراز می‌کنند. از سوی دیگر، نظرسنجی جمعیت شمال کشور حاکی از محبوبیت بالای نخست‌وزیر سابق است و لو اینکه کارمندان چاپلوس لنین‌آبادی سعی می‌کنند به رهبر کشور عکس این قضیه را تلقین کنند. «افشاگری‌های» عبدالله‌جان‌اف در رسانه‌های گروهی، از جمله روسی، ناشیانه بوده و بر اشتها وی به عنوان شخصیت آسیب‌دیده از حکومت، افزود. تعقیب جزایی (در شرایط رشد فساد مالی در کشور) نیز نتیجه مطلوب را نداده است.

صلح‌سازی نمی‌تواند براساس مواضع مبهم صورت بگیرد. تجربه حل و فصل همه مناقشات نشان می‌دهد که همه طرفها باید در این روند شرکت کنند و از نتایج مذاکرات راضی باشند. در غیراین صورت صلح کامل برقرار نخواهد شد. رئیس‌جمهور رحمان‌اف که گام اول در راه صلح را برداشته است، باید بازم جلو تر برود و با آخرین مخالف خود سازش کند و از امکانات وی برای رستاخیز کشور بعد از جنگ استفاده نماید.

مناقشه تاجیکستان یک رشته درسهای عبرت را داده است که به اختصار می‌توانند به این شکل بیان شوند: ۱. ادامه مناقشه خطر تجزیه کشور و ویرانی دستگاه دولتی را به دنبال دارد؛ ۲. هیچ‌یک از گروههای منطقه‌ای و سیاسی نمی‌تواند در سیستم قدرت دولتی برتری کامل داشته باشد. ثبات و نظم فقط به شرط شرکت همه مناطق و نخبگان در اداره امور کشور تأمین می‌شود؛ ۳. پیروزی کامل و نهایی یکی از طرفین بعید است. طرفین باید با هم سازش کنند؛ ۴. همه مناطق کشور از نظر اقتصادی، تعاون تولیدی و سیستم واحد مالی و بودجه‌ای به هم وابسته هستند. در شرایط استقلال کشور، آنها باید به دفاع جمعی و تأمین امنیت در مقابل دست‌درازی‌های سازمانهای افراطی، تروریستی و مافیای مواد مخدر بپردازند.